





بیشتری داشته باشد.

### ۳. قلمرو قانون و شریعت: آیا هر حکم فقهی باید قانون شود؟

سؤال مهم دیگر این است که آیا هر حکم شرعی باید به قانون تبدیل شود؟ به ویژه در حوزه‌هایی چون کفارات، عبادات، احکام شخصی و اخلاقی، آیا دولت اسلامی موظف به الزام شهروندان است؟

**بحث قابل توجه:** اگرچه برخی از این احکام جنبه شخصی دارند، اما براساس نظریه ولایت فقیه و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، دولت اسلامی می‌تواند در برخی حوزه‌ها ورود کند. البته این امر محل اختلاف است و باید بین حوزه خصوصی و عمومی تمایز قائل شد.

**منبع فقهی:** موسوی اردبیلی، «فقه الحدود و التعزیرات»، ص 60

### ۴. تفاوت دیدگاه فقه و حقوق در تنظیم روابط اجتماعی

فقه عمدتاً معطوف به احکام فردی است؛ در حالی که حقوق به تنظیم روابط اجتماعی در قالب قواعد عام و قابل اجرا در دادگاه‌ها توجه دارد. در برخی موارد، فتاوی فقهی ممکن است فاقد کارایی لازم برای قانون‌گذاری باشند.

**مثال:**

- در فقه، عقد اجاره میان کارگر و کارفرما رابطه‌ای خصوصی تلقی می‌شود. اما در حقوق، قانون‌گذار با هدف تأمین عدالت اجتماعی، شرایط کلی برای حمایت از کارگران وضع می‌کند.
- در فقه، مرد حق دارد هر زمان که بخواهد همسر خود را طلاق دهد، اما قانون با وضع قیود خاص، از حقوق زنان دفاع می‌کند.

### ۵. ضرورت تحول در فقه برای پاسخ‌گویی به نیازهای تقنینی

فقه باید خود را با تحولات اجتماعی و نیازهای جدید هماهنگ سازد. موضوعاتی نظیر بانکداری، اوراق تجاری، شرکت‌ها، حقوق اساسی، آیین دادرسی، مرور زمان، تجدیدنظر و... از جمله مباحثی‌اند که یا در فقه سنتی مطرح نشده‌اند یا به صورت محدود بررسی شده‌اند.

**پیشنهاد:** ایجاد شاخه‌ای تخصصی از فقه به نام «فقه الحکومه» یا «فقه تقنینی» که به صورت مستقیم به نیازهای قانون‌گذاری پاسخ دهد.



## ۶. تعامل سازنده میان فقه و حقوقدان

در بسیاری از موضوعات، فقه و حقوق دارای موضوع مشترک‌اند (مانند معاملات، حدود، دیات، مراعات). هرچند هدف و شیوه استدلال متفاوت است، اما نزدیکی این دو علم به‌غناهی هر دو خواهد افزود. برای تحقق این هدف باید ادبیات مشترکی میان فقه و حقوق شکل گیرد.

### □ نکات مهم حقوقی:

1. تبدیل فتوا به قانون الزاماً نیازمند فرآیند تقنینی و نظارت شورای نگهبان است.
2. حکم شرعی لزوماً به معنای الزام قانونی نیست؛ مگر اینکه با مجوز حکومتی همراه باشد.
3. دولت اسلامی تنها می‌تواند در حوزه‌هایی دخالت کند که مصالح عمومی را در بر دارد.

### □ نمونه مسائل حقوقی:

#### مسئله ۱: اختلاف فقهی در نکاح باکره رشیده

دختری باکره و رشیده بدون اذن پدر قصد ازدواج دارد. از نظر فقهی میان فقها اختلاف است. قانون مدنی ایران (ماده ۱۰۴۳) اذن ولی را لازم می‌داند، مگر در موارد استثنایی که دادگاه تشخیص دهد.

**راه‌حل:** دادگاه با بررسی شرایط خاص، می‌تواند اذن ولی را نادیده بگیرد در صورتی که احراز کند ازدواج به مصلحت دختر است.

#### مسئله ۲: مطالبه کفاره از مرتکب گناه

فردی مرتکب گناهی شده که شرعاً کفاره دارد (مثلاً افطار عمدی روزه). آیا دولت حق دارد او را ملزم به پرداخت کفاره کند؟

**راه‌حل:** دولت تنها در صورتی حق الزام دارد که این اقدام در قالب قانون مصوب و با رعایت حقوق فردی باشد، در غیر این صورت، صرفاً جنبه اخلاقی و شخصی دارد.

### □ سؤالات متداول:

آیا حکم شرعی همان قانون است؟



خیر. حکم شرعی جنبه تکلیفی دارد ولی قانون نیازمند ضمانت اجرای حکومتی است.

**اگر فقها اختلاف نظر داشته باشند، کدام نظر قانون می‌شود؟**  
نظری که از سوی نهاد قانون‌گذاری (با نظارت شورای نگهبان) پذیرفته شود، به قانون تبدیل خواهد شد.

**آیا حکومت اسلامی می‌تواند تمام واجبات را به قانون تبدیل کند؟**  
خیر، تنها در حوزه‌هایی که با نظم عمومی و مصالح جامعه در ارتباط است، امکان قانون‌گذاری وجود دارد.

---

اگر در زمینه رابطه فقه و قانون یا دیگر موضوعات حقوقی سوالی دارید، همین حالا با کارشناسان حقوقی ما در ارتباط باشید.

[درخواست مشاوره حقوقی](#) □